

سقوط: افتادن
قرار: جایی ماندن
ترجیح دادن: برگزیدن، انتخاب کردن
نظاره کردن: نگاه کردن

لحظه‌ای را می‌کشید. اشک‌های حسین، موهای خاک‌آلود او را خیس کرد.

«نگران نباش مؤمن! مطمئن باش. خداوند اراده کرده که خرّمشهر آزاد بشود؛ از نشانه‌هایش هم همین است که دشمنان به جان هم افتاده‌اند.»

مقاومت‌های پراکنده‌ای در شهر ویران خرّمشهر دیده می‌شد. بالگردهای دشمن در تلاش بودند فرماندهان نظامی را از میدانِ نبرد، نجات بدهند؛ امّا با هدف قرارگرفتن و سقوط یکی از آنها، بقیّه فرار را بر قرار ترجیح دادند.

اکنون در مسجد جامع شهر، که روزهای زیادی مرکز مقاومت جوانان بود، رزمندگان نماز شکر می‌خواندند. ساعتی بعد، حسین ایستاده بود و با نگاهی خیره، دور دست را نظاره می‌کرد.

درست و نادرست

۱ آزادی خرّمشهر از دست متجاوزان، آرزوی همه‌ی مردم ایران بود. ✓

۲ بالگردهای دشمن موفّق شدند، فرماندهان نظامی را از میدانِ نبرد نجات بدهند. ✗

۳ پیکی که برای حسین خبر آورده بود، تشنه بود. ✓

پاسخ صفحه به صفحه درس فارسی پایه چهارم؛ طراح: سمیرا ابوالقاسمی